

رفتار باروری زنان ایران همگام با فرایند تحولات خانواده در سه دهه‌ی

گذشته

بتول صیفوری طغراجردی^۱، غلامرضا حسنی درمیان^{۲*}، علی اکبر مجدی^۳، مهدی کرمانی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۷ صص ۲۷۶-۲۵۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۵

چکیده

در این مقاله تحولات مربوط به باروری زنان در خانواده از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ با استفاده از روش تحلیل ثانویه‌ی آمار، اسناد و مدارک جمعیتی تحلیل شده است. نرخ رشد سالانه جمعیت کشور ایران در سال ۱۳۶۵ حدود ۳٫۹٪ بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۱٫۳ درصد کاهش یافته؛ در چنین وضعیتی انتظار می‌رفت میزان رشد تعداد خانوارها متناسب با کاهش رشد جمعیت رو به افول بگذارد؛ درحالی‌که نرخ رشد سالانه‌ی تعداد خانوارها در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۷۵ حدود ۲٫۵۱ درصد است که در مقایسه با سال ۱۳۹۰ حدود ۳٫۸۹ درصد افزایش داشته است. هم‌چنین آمار مربوط به بعد خانوار نیز طی این سه دهه به ترتیب از ۵٫۱۱ به ۴٫۰۵ و ۳٫۵۴ کاهش یافته است. بر اساس نظریه‌ی گذار جمعیتی دوم نشان از ورود ارزش‌های مدرنیسم و مظاهر آن (فردگرایی، صنعتی شدن و شهرنشینی) نظیر خانواده‌ی تک والد، تک‌فرزند، زوج زیستی و همباشی در کنار رشد پدیده‌ی طلاق دارد. در حال حاضر خانوارهای دارای جمعیت ۷ نفر به بالا با سهم ۲ درصدی از کل جمعیت در حال محو شدن هستند، نرخ رشد خانوارهای ۳ تا ۴ نفره که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند نیز رو به کاهش است و در مقابل خانوارهای تک‌نفره با سهم ۷ درصدی در حال افزایش می‌باشند. می‌توان نتیجه گرفت که طی سه دهه‌ی اخیر کاهش ترجیح باروری، میل به زندگی مجردی و تشکیل خانوارهای مستقل پیش از ازدواج در کنار عامل دیگری به نام طلاق باعث کاهش بُعد خانوار و افزایش تعداد خانوارها شده که نشان‌دهنده‌ی ورود ارزش‌های مدرنیسم به عرصه‌ی خانواده‌ی ایرانی است.

کلمات کلیدی: نرخ باروری، خانواده، خانوار، تحولات خانواده.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

^۲ استادیار جمعیت شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

^۳ استادیار جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

^۴ استادیار جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

*نویسنده مسئول: gh-hassani@um.ac.ir

مقدمه

تحولات جمعیتی خانواده به یکی از مسائل اجتماعی مهم در دنیای معاصر مبدل شده است. به طوری که امروزه در جوامع صنعتی برخلاف ضرورت نهاد خانواده، پرسش‌ها و تردیدهای زیادی در خصوص ساختار، روابط و نقش اعضای خانواده وجود دارد. دگرگونی نهاد و ساختار خانواده و به عقیده‌ی برخی نظریه‌پردازان فروپاشی آن، به‌عنوان پیامد مدرنیته در غرب طی دهه‌های اخیر کانون توجه بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی قرار گرفته است. این تحولات در نتیجه‌ی انقلاب صنعتی و گسترش مدرنیزاسیون، الگوهای متنوعی از ازدواج و زناشویی، کاهش تمایل برای فرزند آوری و باروری، عادی شدن طلاق و موارد مشابه آن را در دنیای غرب ایجاد کرد. اگرچه اولین تأثیرات مدرنیته بر نهاد خانواده، تغییر ساختار گسترده به خانواده هسته‌ای بود؛ اما این ساختار جدید نیز پایدار نماند، از جمله‌ی این تغییرات می‌توان به سست شدن پیوندهای خانوادگی، روابط عاری از قدرت در درون خانواده، کاهش پایداری خانواده، کم‌توان شدن هنجارهای خانوادگی در کنترل و سامان بخشی به رفتارها و روابط اعضای خانواده، تضعیف روابط عاطفی میان اعضای خانواده، درهم ریختن نظام سنتی، تقسیم نقش‌ها بدون جایگزینی و مقبولیت یافتن نظامی نوین و کارآمد و بروز بسیاری عوارض و پدیده‌های دیگر است (Mohammadi & Seifoori, 2016). در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین تغییرات ساختاری در حوزه‌ی مربوط به خانواده، کاهش بعد خانوار همزمان با افزایش تعداد خانوار است (Aliahmadi, 2009). اگرچه مجموعه‌ی این تحولات ارزشی در چارچوب روابط و ساختار خانواده منجر به افزایش سبک زندگی زوج زیستی، همباشی^۵ و روابط جنسی آزاد در غرب شد اما این تغییر در نظام ارزشی با سرعت به جوامع شرقی هم سرایت کرد (Newman, 2008).

کشور ایران به‌عنوان یکی از کشورهای اسلامی نیز در جریان مدرنیزاسیون و گسترش شهرنشینی بدون تردید یکی از جوامعی است که متأثر از باورها و الزامات جامعه‌ی مدرن غربی چنین تحولات جمعیتی در عرصه‌ی ساختار و روابط خانوادگی تجربه کرده است و زنان، یکی از مهم‌ترین سوژه‌های تحول‌آفرین در ساختار خانواده به‌شمار می‌آیند که نوع تلقی، نظام ارزشی، جایگاه و نقش اجتماعی و باورهای آن‌ها قادر به دگرگونی ساختار جمعیتی خانواده است (Seyfollahi & Razeghiyan, 2008). افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تمایل آن‌ها جهت اشتغال در خارج از منزل که به‌زعم صاحب‌نظران زمینه‌ساز افزایش سن ازدواج دختران و به‌تبع آن کاهش میل به باروری است، از جمله تحولات فراوان است (Saraei, 2006). بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام شده،

⁵ Cohabitation

ترجیح زنان شاغل ایرانی عدم باروری و یا اتخاذ سیاست تک‌فرزندی است (Mohammadi&seifoori, 2016).

هدف این نوشتار، بررسی رفتار باروری زنان ایرانی همگام با تحولات خانواده در ایران است. طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور در دهه‌ی ۶۰، سبک زندگی ۶۱ درصد از خانواده‌های ایران به‌صورت هسته‌ای (زن، شوهر و فرزند)، ۱۴،۶ درصد زوجی (فقط زن و شوهر) و ۳،۸۴ درصد نیز به‌صورت گسترده (چند نسل باهم) گزارش شده است، اما در سال‌های اخیر تغییر سبک زندگی خانواده‌های ایرانی به این صورت بوده است که خانواده‌های زوجی رو به افزایش گذاشته است و خانواده‌های گسترده با سرعت روند نزولی را طی می‌کنند؛ به‌طوری‌که در چند دهه‌ی گذشته، نرخ خانواده‌های گسترده از ۱۰ درصد به کمتر از چهار درصد رسیده است. روند رو به رشد خانواده‌های تک‌نفره نیز در سال‌های اخیر در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که نرخ این خانواده‌ها از ۷،۱ درصد در سال ۸۵ به ۵،۲ درصد در سال ۹۵ رسیده است. آمار خانواده‌های تک‌والد (یکی از والدین به دلیل فوت، طلاق و یا ترک خانواده حضور ندارند) به نزدیک ۷ درصد رسیده است که در مقایسه با آمار دهه‌های قبل، روند افزایشی داشته است؛ در حال حاضر حدود ۱۲ درصد خانواده‌های تک‌والد، زن سرپرست هستند (www.sci.ir). بر اساس آمار ثبت احوال کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۹۳ نرخ ازدواج هم در کشور روند نزولی داشته؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۳ حدود ۷۲۴ هزار ۳۲۴ ازدواج ثبت شده که نسبت به سال قبل ۶،۵ درصد کاهش داشته است.

بخش عظیمی از تغییرات جمعیتی در ایران متأثر از تغییر نظام باوری، هنجاری و ارزش‌های اجتماعی است؛ تجربه‌های جدید افراد از روابط جنسی، ارضای نیازهای عاطفی جوانان از طریق نهادهای موازی با خانواده، کاهش قبح اجتماعی طلاق، افزایش تجرد قطعی، استقلال از خانواده بدون ازدواج و ... عملاً کارکردهای پیشین خانواده را دگرگون ساخته و همین امر موجب رواج زوج زیستی، هم‌باشی، توالد خارج از ازدواج و ... شده که پدیده‌های نوظهور و غیرقابل قبولی در این بستر فرهنگی می‌باشند (Saraei, 2006). این تحولات موجب شده است که جامعه‌شناسان خانواده نظرات متفاوتی در خصوص آینده‌ی وضعیت خانواده ارائه دهند که در این جا آن‌ها در قالب سه گروه طبقه‌بندی شده‌اند:

گروه اول به افول خانواده اعتقاد دارند و روند کنونی را دلیلی بر تحولات آینده می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که در دنیای فردا انسان‌ها نیازمند نهادی مانند خانواده نیستند و اگر مایل به تشکیل زندگی مشترک نیز باشند، گزینه‌های تازه‌ای پیش روی خود خواهند. کاهش کارکردهای خانواده و تقلیل یافتن آن به کارکردهای عاطفی، شکل‌گیری انواع جدید زندگی خانوادگی در کنار کاهش قدرت رفتار جنسی اعضای خانواده، کم‌رنگ شدن وفاداری بین زوجین و پر رنگ شدن منافع فردی

نسبت به منافع خانوادگی، کاهش اعتقاد به نقش سنتی همسری و فداکاری و گذشت نسبت به یکدیگر، وقوع بارداری‌های خارج از چارچوب ازدواج رسمی، ازدست رفتن ارزش‌های سنتی مادری، کوچک‌تر شدن ابعاد خانواده، افزایش نرخ طلاق و رواج انواع زندگی مشترک بدون ازدواج از جمله شواهدی است که صحت این نظریه را اثبات می‌کند (Labibi, 2013). گروه دوم، همچنان بر بقای ارزش‌های خانوادگی و حضور قدرتمند نهاد خانواده در جامعه تأکید داشته و اگرچه در دهه‌های اخیر نگرش افراد نسبت به زندگی مشترک تغییر کرده، اما این ارتقاء کیفی به معنی از دست دادن ارزش‌های خانوادگی نیست. می‌توان ادعا کرد ارزش‌های خانوادگی با درایت شخصی و منطق انتخاب-گرانه‌ی بیشتری در خانواده ظهور و بروز پیدا کرده است (Labibi, 2013). گروه سوم معتقدند خانواده در دنیای امروز دچار تحول شده، اما بنیان خانواده و کارکردهای اساسی آن با افول مواجه نشده است. از این دیدگاه، در دنیای امروز با نوعی بی‌سامانی در روابط خانوادگی روبه‌رو هستیم، اما درعین حال سامان‌یافتگی مجدد خانواده نیز در ابعاد گوناگون آن روی داده است (Labibi, 2013) نظر به آنچه مطرح شد، سؤال مطالعه‌ی حاضر این است که روند تغییرات بُعد خانوار و تعداد خانوار در فرآیند تحولات خانواده در سه دهه‌ی گذشته‌ی کشور ایران چگونه بوده است؟

پیشینه‌ی پژوهش: با توجه به این‌که از سال ۱۳۹۰ بسیاری از پژوهش‌ها در ایران به انحاء مختلف رفتار باروری زنان را محور توجه قرار دادند، در جدول شماره‌ی ۱ مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع گزارش شده است:

جدول ۱- مرور تحقیقات داخلی

ردیف	محقق، زمان و مکان انجام	عنوان و روش پژوهش	نتایج
۱	Chaboki etal (2016) همدان	بررسی رابطه‌ی ارزش‌های فرهنگی و گرایش به باروری در زنان، پیمایش	متغیرهای ارزش‌های فردگرایانه، میزان باورهای دینی نسبت به فرزند آوری و دیدگاه آزمودنی‌ها نسبت به کارکردهای سنتی، خانواده و نقش زن در خانواده، ۶۴ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند که در این میان متغیر ارزش‌های فردگرایانه از بیشترین قدرت تبیین برخوردار بوده است.

<p>اشتغال و تحصیلات زنان دو مفهوم به دست آمده از این پژوهش هستند که می توان با اتکا به آنها سیاست های جمعیتی اتخاذ گردد.</p>	<p>بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر تعداد فرزندان ایده آل روش توصیفی - تحلیلی</p>	<p>Baseri etal (2016) تهران ۲</p>
<p>ترجیحات باروری در قومیت های مختلف متفاوت می باشد و بالا رفتن سن زنان، مشکلات اقتصادی و مخالفت همسر از مهم ترین دلایل عدم تمایل به فرزند آوری می باشد.</p>	<p>عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان اقوام ایرانی</p>	<p>Motlagh(2016) ۳</p>
<p>نگرش منفی پاسخ گویان نسبت به آیندهی جامعه، فردگرایی، منفعت طلبی، نگرش نسبت به فرزند، خردگرایی و رضایت مندی زناشویی به ترتیب بیشترین همبستگی را با ترجیح باروری دارند. متغیرهای میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به شکل غیرمستقیم ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می دهد.</p>	<p>بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان پیمایش</p>	<p>Mohammadi etal (2016) کرمان ۴</p>
<p>-نتایج کیفی نشان داد، فرزند پروری، آرمان گرایی و کمال گرایی باعث شده است زنان ایده آل باروری و رفتار باروری پایین داشته باشند. نتایج کمی نشان داد تعداد خواهر و برادر زوجین، سن ازدواج، محل تولد، اختلاف سنی زوجین، درآمد خانواده، تحصیلات زن، مشارکت زنان در تصمیم گیری امور خانواده، استقلال روانی (رضایت از زندگی)، نگرش مثبت و منفی به فرزند، اعتماد تعمیم یافته، حمایت اجتماعی، ترجیح جنسی، از عوامل مهم تأثیرگذار بر باروری (رفتار، ایده آل و تمایلات فرزند آوری) زنان محسوب می شود.</p>	<p>مطالعه تعیین کننده های جامعه شناختی باروری طی دو نسل اخیر (زنان متأهل شهر تهران)، روش ترکیبی کمی و کیفی</p>	<p>Chamani(2015) تهران ۵</p>

<p>نقش منفی ماهواره و تلویزیون بر داشتن تعداد فرزندان زیاد، نقش مثبت تلویزیون بر داشتن تعداد فرزندان زیاد، دلسرد کردن از طریق خانواده و اطرافیان، تبلیغات مثبت شبکه‌های مجازی، ورزش عمومی و سن پاسخ‌گو ۴۴ درصد از واریانس میزان تمایل به باروری را تبیین می‌کنند.</p>	<p>بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل به باروری زنان ۱۸-۴۰ ساله، پیمایش</p>	<p>Faraji(2015) ایلام</p>	<p>۶</p>
<p>در صورتی که سیاست‌گذاران بخواهند در راستای مداخله در باروری در جهت تعدیل آن عمل کنند باید زمینه‌ی اقتصادی مناسب را برای خانواده‌ها فراهم کنند.</p>	<p>عوامل تعیین‌کننده باروری ایده‌آل زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله</p>	<p>Dorahaki(2015)</p>	<p>۷</p>
<p>-تصمیم فرزند آوردن یا نیاوردن به صورت تصادفی شکل نمی‌گیرد، بلکه مبنای آن، رفع یا کاهش یک سری نیازهای درک شده است و به نگرش فرد درباره‌ی پیامدهای داشتن فرزند دیگر و هنجارهای درک شده‌ی آن‌ها در این‌باره بستگی دارد.</p>	<p>الگوی تصمیم‌گیری فرزند آوری: یک مطالعه کیفی</p>	<p>Kaboudi etal (2013) تهران ۲۰۱۳</p>	<p>۸</p>
<p>-چهار طبقه‌ی اصلی شامل کنترل برنامه‌ی باروری، تنظیم خانواده‌ی مشارکتی، حفظ سلامت و دسترسی به خدمات مطلوب تنظیم خانواده از میان تجربیات زنان آشکار گردید.</p>	<p>درک زنان ایرانی از مفهوم توانمندسازی در تنظیم خانواده، تحلیل محتوای کیفی</p>	<p>Kohan etal (2012) اصفهان</p>	<p>۹۸</p>
<p>-یکی از مهم‌ترین معانی‌ای که زنان در درون کنش کم فرزند آوری خود در نظر دارند، حمایت از خودشان به‌عنوان یک زن است. زنان حمایت از شرایط وضعیت‌های جسمانی، روانی و اجتماعی خود را به‌عنوان استدلالی برای تمایل به کم‌فرزند آوری در نظر دارند. رویای دستیابی به شغل، بهره‌مندی بیشتر از فرصت‌های</p>	<p>زنان کرد با چه درک و تفسیری کنش کم‌فرزند آوری را برای خود نظریه‌ی زمینه‌ای</p>	<p>Mahmoudian etal (2012) کردستان</p>	<p>۱۰</p>

اجتماعی محدود در سطح جامعه، آرامش روانی، مدیریت بدن و حفظ وجاهت اجتماعی از جمله ابعاد این خود حمایتی مذکور است.

بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک	Adibi sadeh etal (2011) اندیمشک	۱۱
- عدم تفاوت معنادار بین میزان باروری در بین زنان با وضعیت اشتغال گوناگون. متغیرهای میزان تحصیلات زنان، وضعیت اشتغال مرد و نگرش افراد به باروری سهم بیشتری در تبیین میزان باروری زنان کرد ساکن در شهرستان اندیمشک را داشته‌اند.		

در خارج از ایران نیز موضوع تغییر در باروری زنان مورد توجه محققان قرار گرفته است که در جدول شماره ۲ به برخی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش‌ها از سال ۲۰۱۰ اشاره می‌شود:

جدول ۲- مرور تحقیقات خارجی

ردیف	محقق، زمان و مکان انجام	عنوان و روش	نتایج
۱	Yi Zeng, Therese Hesketh, (2016) چین	تأثیرات سیاست جهانی دو فرزند در چین	در اکتبر ۲۰۱۵، سیاست فرزندان چین یک سیاست جهانی دو فرزند جایگزین شد. مزایای استفاده از سیاست‌های جمعیتی جدید عبارتند از: کاهش شدید سقط جنین‌های بارداری غیر قابل قبول، حذف مجازی
۲	Anning Hu etal(2015) چین	افزایش ناهمگونی در بازده اقتصادی به آموزش عالی در شهرهای چین	در این مطالعه، ناهمگونی فردی در بازدهی اقتصادی به تحصیلات عالی در چین پس از گسترش تحصیلات عالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بیشترین اثر تحصیلات کالج در بالاترین درآمد می‌باشد. علاوه بر این، ناهمگونی اثر در توزیع درآمد از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ افزایش یافته است.
۳	Hosseini-Chavoshi(2016) ایران	باروری، ازدواج و تنظیم خانواده در ایران:	باروری در ایران به زیر سطح جایگزینی کاهش یافته است و در سال‌های اخیر میزان رشد جمعیت نیز به حدود ۱،۳ درصد کاهش یافته است. این به بازنگری سیاست‌های جمعیت پس از انقلاب نیاز دارد. نتایج

ما تأیید کرد که باروری در ایران در سال 2010 حدود ۱,۸ و ۲ کودک در سال است.	مفاهیمی برای سیاست آینده	Malin Soederberg etal(2015) سوئد	۴
در این جمعیت، سن، شغل، منطقه مسکونی و وضعیت مدنی (زناشویی) در نگرش نسبت به باروری و باروری نقش دارند. باروری در ارتباط با تفاوت‌های فردی و سن باید در جامعه و همچنین در مراقبت‌های بهداشتی جنسی و تولید مثل مورد توجه و بحث قرار گیرد.	نگرش زنان نسبت به باروری و مطالعه‌ی باروری یک نمونه‌ی ملی زنان سوئدی که معتقدند نگرش به باروری		
سیستم‌های دولت‌های رفاه اگر توجه بیشتری به نیازهای جمعیت سالمند داشته باشند، باروری کاهش می‌یابد. اگر دولت‌های رفاه توجه به نیازهای خانواده داشته باشند، آنگاه باروری افزایش می‌یابد. تفاوت‌های عمده بین کشورها در مورد مزایای کودک وجود دارد.	عوامل تعیین‌کننده‌ی بلند مدت باروری نکاحی در دنیای توسعه یافته (قرن ۱۹ و ۲۰): نقش سیاست‌های رفاه	Jesús J. etal(2017)	۵

به‌منظور تحلیل مسأله‌ی پژوهش از نظریه‌گذار جمعیتی دوم استفاده شده است، این نظریه در اصل چارچوبی برای تبیین «باروری پایین» در کشورهای توسعه یافته است. این نظریه، باروری پایین و دوام آن در جوامع مزبور را با توجه به تغییرات اساسی توضیح می‌دهد که در دهه‌های پایانی قرن بیستم در سطح جامعه و خانواده پیش آمد. نظریه‌گذار جمعیتی دوم در کشورهای اسکاندیناوی تقریباً به‌طور کامل و در کشورهای مدرن دیگر در حوزه‌ی فرهنگی تا حدود زیادی صدق می‌کند. با این حال لازم است محدودیت‌های به‌کارگیری این نظریه را برای مطالعه‌ی باروری پایین و دوام آن در ایران لحاظ کرد، زیرا ایران کشوری پیرامونی است و تغییرات آن تا حدودی ناهمسان، ناهماهنگ و ناهم‌زمان با این نظریه است (Saraei, 2008).

نظریه‌ی گذار جمعیت‌شناختی یکی از موضوعات عمده در مطالعات جمعیتی، مبتنی بر تحقیق (Lesthaeghe & Van Di Ka, 1980) در زمینه‌ی باروری زیر سطح جایگزینی است و ناظر به تغییراتی است که در سطح ازدواج، باروری و جامعه رخ می‌دهد. کاهش میزان ازدواج، افزایش سن در اولین ازدواج، افزایش هم‌خانگی‌های قبل و بعد از ازدواج، افزایش طلاق و کاهش ازدواج

مجدد بعد از طلاق و بیوگی از تغییراتی است که در سطح ازدواج رخ می‌دهد. کاهش باروری با به تعویق انداختن فرزند آوری، بالا رفتن سن والدین شدن، کاهش باروری به پایین‌تر از سطح جایگزینی، کارآمدی وسایل پیشگیری از باروری و افزایش باروری‌های خارج از ازدواج، تغییراتی را که در سطح باروری رخ می‌دهد شامل می‌شود. در طول گذار دوم تغییراتی نیز در سطح جامعه رخ می‌دهد، برخی از آن‌ها عبارتند از: استقلال فردی، خود واقعی‌سازی، دموکراسی، عدم تعهد به بخش‌های حکومتی و شبکه‌های جهانی و نیز سرمایه‌ی اجتماعی به سمت جلوه‌های بیانگرانه و ضعف یکپارچگی اجتماعی، رفتارسازی مجدد دولت، انقلاب جنسی، از بین رفتن اقتدار مردان، رهاسازی زنان و افزایش استقلال اقتصادی زنان (Lesthaeghe, Ron, 2006). آن‌ها نشان دادند که هیچ یک از کشورهای مورد بررسی پس از تجربه‌ی باروری زیر سطح جایگزینی، دوباره به سطحی از باروری برنگشته‌اند که با سطح مرگ و میر متعادل باشد. بر این اساس او (Van Di Ka, 2002) تجربه‌ی باروری زیر سطح جایگزینی و استمرار آن را معیار ورود به دوره‌ی گذار جمعیت‌شناختی دوم در نظر گرفت (Saraei, 2008). تغییرات در سطح کلان جامعه به تغییراتی در سطح خانواده و از آن طریق الگوهای فرزند آوری منتقل شد. انقلاب در تکنولوژی کنترل موالید و پیشرفت وسایل پیشگیری از بارداری باعث تغییراتی در رابطه‌ی سنتی ازدواج، رابطه‌ی جنسی فرزند آوری شد (Lesthaeghe, Ron, 2002).

با توجه به آنچه گفته شد، یکی از مظاهر تغییرات در سطح خانواده، تعویق ازدواج و در نتیجه افزایش میانگین سن ازدواج زنان است. به تبع این تغییر، متوسط سن فرزند آوری نیز افزایش می‌یابد و نتیجه‌ی آن با توجه به محدودیت دوره‌ی سنی فرزندآوری، محدود شدن فرصت فرزندآوری زنان می‌شود. پیامد بلافصل این تغییرات، افزایش سن زنان به هنگام تولد اولین فرزند است. در چنین شرایطی شمار زنان بدون فرزند افزایش می‌یابد. سرایی این بی‌فرزندی را نه ناشی از نازیبی طبیعی بلکه عمدتاً تحت تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی از جمله محوریت کار و فعالیت در مشاغل خارج از منزل به‌جای خانواده محوری می‌داند (Van de Kaa, 2002). افزایش موالید نامشروع یکی دیگر از مظاهر تغییر در الگوهای فرزندآوری است. «گرچه فردیت در دوران مدرن رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و در بیش‌تر حوزه‌ها، خصوصاً درحوزه‌ی اندیشه و سیاست، فرد آزادی‌های قابل ملاحظه‌ای را به‌دست آورد، اما حساسیت جامعه نسبت به باروری خارج از ازدواج تا حدود زیادی ادامه داشت. (Lesthaeghe, 1986) اگرچه نظریه‌ی گذار جمعیت‌شناختی دوم استمرار باروری زیر سطح جایگزینی کشورهای پیشرفته را در سطح جامعه به تکوین ارزش‌های پساماتریالیستی یا پسامدرن ربط می‌دهد، اما اختلاف سطح باروری مشاهده شده و ایده‌آل زنان قطعیت این یافته‌ها را به چالش می‌کشد. بر این اساس، مک‌دونالد می‌گوید محدودیت شمار فرزندان ناشی از عواملی چون افزایش هزینه‌های

فرزندآوری، بی‌اطمینانی و ماهیت نظام‌های اجتماعی است نه ارزش‌هایی که آن‌ها در اوایل دهه‌ی سوم عمرشان رشد داده‌اند. (Hoseini, 2016)

در گذار جمعیتی دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در روابط زندگی به وجود آمد و قدرت چانه‌زنی دو طرف به صورت مساوی تقسیم شد. همان‌گونه که آزاد شدن زنان از سلطه و قیود نظام پدرسالاری، قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها را در امور مربوط به تشکیل خانواده و ازدواج طی این مرحله افزایش داد، این روند به دنبال خود یک رویکرد جدید از زندگی را ارائه داد که فارغ از زندگی پدرسالارانه بود. در این زمینه کاهش باروری و تغییر اشکال خانواده تغییرات جدیدی هستند که توسط نقش‌های جدید زنان فهم و ادراک می‌شوند. به عبارت دیگر، به تعویق انداختن ازدواج و مولید اول، افزایش هم‌خانگی - ها، طلاق و کاهش باروری به زیر سطح جایگزینی از مشخصه‌های گذار دوم محسوب می‌شود. (Solsona, 1997) در جدول شماره‌ی ۳ تفاوت‌های گذار اول و دوم جمعیت نمایش داده شده است.

جدول ۳- تفاوت‌های گذار اول و دوم جمعیت

الف) ازدواج		
ردیف	گذار جمعیتی دوم	گذار جمعیتی اول
۱	کاهش میزان ازدواج و افزایش سن در اولین ازدواج	افزایش میزان ازدواج و کاهش سن ازدواج
۲	افزایش هم‌خانگی‌های قبل و بعد از ازدواج	سطح پایین هم‌خانگی
۳	افزایش طلاق و زودرسی آن	سطح پایین طلاق
۴	کاهش ازدواج مجدد بعد از طلاق و بیوگی	سطح بالای ازدواج مجدد
ب) باروری		
ردیف	گذار جمعیتی دوم	گذار جمعیتی اول
۱	کاهش باروری از طریق به تعویق انداختن فرزندآوری و بالا رفتن سن والدین شدن و کاهش باروری به پایین‌تر از سطح جایگزینی	کاهش در باروری نکاحی از طریق کاهش باروری در سنین بالا و پایین بودن سن والدین شدن
۲	کارآمدی وسایل پیشگیری از باروری	کم بودن وسایل پیشگیری و ناقص بودن فاصله‌ها
۳	افزایش باروری‌های خارج از ازدواج	کاهش باروری نامشروع
۴	افزایش مدت‌زمان بدون فرزند ماندن افراد	نادر بودن زوجین بدون فرزند
ج) پس‌زمینه‌ی اجتماعی		
	گذار جمعیتی دوم	گذار جمعیتی اول
	افزایش نیازهای با نظم بالا - استقلال فردی، خود واقعی‌سازی -	- پیش شرایط برای نیازهای اساسی ازدواج - درآمد، شرایط شغلی، خانه‌داری

<p>- بهداشت، سواد، امنیت اجتماعی، سازمان‌های بوروکراتیک و ارزش‌های نظامی خشک</p> <p>- افزایش عضویت در اجتماعات سیاسی و کشوری با گرایش شبکه‌های جهانی و قدرت یکپارچه‌ی اجتماعی</p> <p>- نظام‌های هنجاری قوی توسط دولت و کلیسا، اولین ازدواج سکولاریزه شده و مراقبت‌های سیاسی و اجتماعی</p> <p>- جداسازی نقش جنسیتی، سیاست‌های خانواده</p> <p>- گذار نظم یافته‌ی زندگی و ازدواج مدبرانه و تسلط یک مدل زندگی</p>	<p>ارزش‌های کار و اجتماعی شدن و دموکراسی - تعاملات متمایز و ارزش‌های منفعل -</p> <p>عدم تعهد به بخش‌های حکومتی و شبکه‌های جهانی ونیز - سرمایه اجتماعی به سمت جلوه‌های بیانگرانه و ضعف یکپارچگی اجتماعی</p> <p>رفتارسازی مجدد دولت، دومین موج سکولاریزاسیون، - انقلاب جنسی، از بین رفتن اقتدار مردان، رهاسازی زنان</p> <p>افزایش تقارن در نقش‌های جنسیتی و استقلال اقتصادی - زنان</p> <p>- سازماندهی دوره‌ی زندگی منفعلانه و سبک‌های زندگی متفاوت و آینده‌ای باز</p>
---	---

روش پژوهش و ابزار پژوهش

این مقاله با استفاده از روش تحلیل ثانویه‌ی اسناد، آمار و مدارک جمعیتی انجام شده است و به منظور تحلیل تبارشناسانه‌ی تغییرات جمعیتی ایران طی سه دهه‌ی گذشته از تئوری گذار جمعیتی دوم مدرنیسم و مظاهر آن (به‌ویژه فردگرایی، صنعتی شدن و شهرنشینی) استفاده شده است. واحد تحلیل در این مقاله طبق تئوری گذار جمعیتی دوم، تغییرات خانواده، جمعیت، بعد خانوار و ایستارهای مطرح شده مربوط به دهه‌ی ۶۰ تا ۹۰ است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش تحلیل اسناد، آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران و سازمان ثبت‌احوال کشور تهیه شده است که در سایت رسمی ارگان‌های مذکور قابل دسترسی می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

-میزان باروری کل در خانواده‌ی ایرانی در گذار از سنت به مدرنیته کاهش یافته است.

-خانواده‌ی ایرانی در گذار از سنت به مدرنیته با کاهش متوسط بُعد خانوار مواجه بوده است.

-خانواده‌ی ایرانی در گذار از سنت به مدرنیته کم‌فرزندطلبی را برگزیده است و رشد جمعیت رو به کاهش گذاشته است.

-خانواده‌ی ایرانی در گذار از سنت به مدرنیته و افزایش شهرنشینی، الگوی رفتار باروری به صورت نزولی پیش رفته است.

-میزان تجدید نسل در ایران، به زیر سطح جایگزینی جهت پیدا کرده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به چارچوب مفهومی پژوهش، ابتدا به تحولات جمعیتی ایران از آغاز آشنایی ایرانیان با مفاهیم و اندیشه‌های مدرنیته پرداخته می‌شود، سپس این تحولات در سه دهه‌ی اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرند. بعد از دهه‌ی ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ که متوسط رشد سالانه جمعیت ۳٫۱ بود، بیشترین نرخ رشد سالانه مربوط به دهه‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ است که نرخ رشد جمعیت ۳٫۹ می‌باشد. به عبارت دیگر در دهه‌ی ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ هر سال به طور متوسط به ازای هر صد نفر از جمعیت کل حدود ۳٫۹ نفر به جمعیت اضافه شده است. به عبارت دیگر؛ به ازای هر هزار نفر از کل جمعیت سالانه به طور متوسط ۳۹ نفر به جمعیت اضافه شد. در دهه‌ی ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ متوسط رشد سالانه ۳٫۹ درصد با احتساب مهاجرین و پناهندگان (عراقی) محاسبه شد، اما نرخ رشد جمعیت ایران بدون احتساب مهاجرین و پناهندگان در این دهه ۳٫۲ درصد بود، یعنی در این دهه، سالانه به طور متوسط به ازای هر هزار نفر از جمعیت کل ۳۲ نفر به جمعیت اضافه شد. در اواخر دوران حکومت پهلوی اقداماتی برای کنترل مولد توسط مؤسسات آمریکایی صورت گرفت و شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر همه‌ی ایران را فراگرفت. تشکیل سازمان‌هایی مثل سازمان زنان ایران و عضویت زنان درباری و زنان قشر بالای اجتماعی در این سازمان و اعمال کنترل جمعیت توسط آنان باعث شد که نرخ رشد جمعیت در دهه‌ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نسبت به دهه‌ی قبل کاهش یابد. در سال ۱۳۵۷ بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، مذهبیون بر جامعه حاکم شدند. از آن جاکه مذهب‌یون همیشه موافق افزایش جمعیت بودند، در ایران نیز با تکیه بر دیدگاه صدور اسلام و انقلاب به جهان تشکیل ارتش بیست میلیونی را ضروری دانستند، لذا سیاست جمعیتی بر اساس تشویق مولد پیش رفت. در این دهه (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵) همان‌طور که گفته شد، نرخ رشد جمعیت ۳٫۹۱ درصد بود که در این دهه، انفجار جمعیت را به وجود آمده بود. از آن جاکه دولت مردان متوجه تبعات اقتصادی و اجتماعی افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت شده بودند، سیاست کنترل مولد را در پیش گرفتند. از دهه‌ی ۷۵-۱۳۶۵ متوسط نرخ رشد جمعیت رو به کاهش گذاشت، به طوری که بین سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت از ۱٫۹۶ درصد به ۱٫۶۲ درصد در دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ رسید و در پنج سال آخر ۹۰-۱۳۸۵ به حدود ۱٫۲۹ درصد رسید. تحولات مربوط به رشد سالانه‌ی جمعیت در جدول شماره‌ی ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴- تحولات درصد رشد سالانه‌ی جمعیت

کل	مناطق روستایی	مناطق شهری	دوره سرشماری
3.13	2.09	5.1	45- 1335
1.71	1.11	4.93	55- 1345
3.91	2.27	3.41	65- 1355
1.96	0.28	3.21	75- 1365
1.62	0.44-	2.74	85- 1375
1.29	0.63-	2.14	90-1385

مأخذ: مرکز آمار ایران

طبق آمارهای جمعیتی موجود در ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، تعداد خانوارها ۴,۴ برابر شده است؛ یعنی تعداد خانوارها که در سال ۱۳۳۵ حدود ۳۹۸۵۵۱۰ بود در سال ۱۳۸۵ به ۱۷۷۱۰۱۷۵۰ خانوار رسیده است. درحالی‌که بعد خانوار از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ کاهش یافته است. افزایش بعد خانوار در دهه‌ی ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به دلیل سیاست تشویقی باروری در کشور بود که بعد از انقلاب اسلامی و روی کار آمدن مذهب‌یون اعمال شد، اما از ۱۳۶۵ به بعد که سیاست کنترل مولید اعمال شد متوسط بعد خانوار رو به کاهش گذاشت. در یک چشم‌انداز کلی می‌توان نتیجه گرفت در همه‌ی این سال‌ها بعد خانوار در نقاط شهری ایران کمتر از نقاط روستایی است. از آن‌جا که کشور ایران در فرایند انتقال از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن فرایند هم‌سوایی را تجربه نکرده است، پیش‌بینی می‌شود با افزایش سطح توسعه‌ی جامعه و سرعت روند مدرنیزاسیون در ایران متوسط بعد خانوار کاهش یابد اما تعداد خانوارها همچنان رو به افزایش باشد. چنین پدیده‌ای در نتیجه‌ی جدا شدن و مستقل زندگی کردن فرزندان ازدواج نکرده از والدین و یا افزایش خانواده‌های پدر مجرد و مادر مجرد بر اثر طلاق و یا انتخاب شخصی رخ دهد که همه‌ی این موارد منجر به افزایش تعداد خانوارهای ایرانی در آینده و کاهش بعد متوسط خانوار خواهد شد.

جدول ۵- روند تغییرات متوسط بعد خانوار در جمعیت ایران (۱۳۳۵-۱۳۹۰)

متوسط بعد خانوار	سال
4.76	1335
4.99	1345
5.02	1355
5.11	1365
4.84	1375
4.03	1385
3.55	1390

مأخذ: مرکز آمار ایران

روند باروری انتقالی در ایران بر اساس جدول شماره‌ی ۶ به شرح زیر پیش رفت:

-مرحله‌ی اول (آغاز انتقال باروری ۱۳۵۵-۱۳۴۵ ه.ش): در این دوره جمعیت ایران انتقال باروری کمی را تجربه کرد و با نرخ رشد سالانه ۲,۲۷ درصد از ۲۵,۷ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۳,۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید که در مقایسه با نرخ رشد دهه‌ی قبل تا حدودی کاهش یافته است.

-مرحله‌ی دوم (توقف انتقال باروری ۱۳۶۵-۱۳۵۵ ه.ش): در این دهه روند جمعیت به‌طور بی-سابقه‌ای افزایش یافت، نرخ رشد سالانه جمعیت ۳,۹ درصد و جمعیت در سال ۵۵ از ۳۳۷۰۸۷۴۴ نفر به ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفر در سال ۱۳۶۵ رسید. در این دهه یکی از عوامل افزایش نرخ رشد هجوم آوارگان افغانی به ایران بود.

-مرحله‌ی سوم (شتاب انتقال باروری ۱۳۶۵-۷۵ ه.ش): در این دوره، میزان خام مولید هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کاهش یافت. برای نخستین بار در مناطق روستایی ایران شاخص‌های باروری به‌طور چشم‌گیری کاهش یافت.

-مرحله‌ی چهارم (ادامه انتقال باروری (۱۳۹۰-۱۳۸۵ ه.ش): روند کاهش باروری در تمام نقاط کشور همچنان ادامه دارد، به‌طوری‌که متوسط نرخ رشد جمعیت از سال ۹۰-۷۵ حدود ۱,۳ درصد بوده است. واقعیت این است که تمام نقاط کشور در مرحله‌ی کاهش باروری قرار دارند، اما ممکن است سرعت کاهش باروری از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر تفاوت داشته باشد؛ بنابراین مرحله‌ی چهارم انتقال باروری (۹۰-۱۳۷۵) ادامه‌ی کنترل باروری در ایران می‌باشد (Hoseini, 2004).

جدول ۶- روند تحولات باروری در ایران

سال	میزان باروری کل	میزان تجدید نسل ناخالص
1335	7	3.4
1345	6.9	3.4
1355	5.9	2.9
1365	6.2	3
1375	2.5	1.2
1385	1.9	0.9
1390	1.7	0.8

منبع: عباسی شوازی ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰

در قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی خطوط کلی سیاست تجدید مولید کشور در بخش جمعیت چنین آمده است: «بر مبنای بررسی‌های به‌عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل مولید از ۶,۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳,۲ به ۲,۳

درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲,۳ درصد در سال ۱۳۹۰ مهم‌ترین هدف‌های دراز مدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدف‌ها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲,۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به‌عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است.

با استناد به نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ کشور مشخص می‌شود که روند تحولات جمعیتی کشور با آنچه در قانون توسعه آمده شکاف چشمگیری وجود داشته است. هم‌چنان که بیان شد بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ رشد جمعیتی کشور ۱,۶۲ و میزان باروری کل کشور ۱,۸ اعلام شده است. این انحرافات از قانون برنامه توسعه ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی را بیشتر می‌کند. به همان نسبت که بعد خانوار کاهش یافته و تعداد خانوار بیشتر شده است؛ روند تغییرات خانواده به‌قدری با سرعت پیش رفته که انواع جدیدی از خانواده در ایران پدیدار شده است. در واقع، درحالی که استحکام پیوندهای زناشویی از مهم‌ترین خصوصیات دوران گذشته (موسوم به عصر طلایی) تلقی می‌شد، خانواده‌های معاصر ایران دست‌خوش چنان تحولات بنیادینی شد که دوران جدید در قالب اصطلاحاتی همچون «عصر طلاق» و «انقلاب طلاق» توصیف شده است. گرچه روند تصاعدی میزان طلاق به‌طور کاملاً چشم‌گیرتری در جوامع صنعتی به وقوع پیوسته است، با این همه میزان طلاق در ممالک جهان سوم از جمله ایران نیز افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. علاوه بر این، خانواده‌های معاصر با پدیده‌های نوظهوری (مانند خانواده‌ی تک والدی، خانواده‌ی تک‌فرزندی، بی‌فرزندی، زوج زیستی) مواجه شده است که غالباً ارتباط تنگاتنگی نیز با تشدید میزان طلاق دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به اهمیت تحولات جمعیت‌شناختی در عرصه‌ی خانواده به تحلیل تبارشناسانه‌ی این تحولات طی سه دهه‌ی اخیر جامعه‌ی ایران پرداخته شده است. از آن‌جا که خانواده مهم‌ترین نهاد مرتبط با حوزه‌ی جمعیت است، لذا مطالعه‌ی تغییراتی که در این حوزه رخ داده و عواملی که منجر به تغییر سبک زندگی خانوادگی به‌ویژه کاهش فرزندآوری شده، محور اصلی مقاله‌ی حاضر به‌شمار می‌آید. در میان مفاهیم جمعیت‌شناختی، باروری یکی از مهم‌ترین مفاهیم قلمداد می‌شود. اهمیت باروری برای جمعیت‌شناسان تا آن‌جاست که آن را جزء وقایع چهارگانه‌ی حیاتی برمی‌شمارند و از آن‌جا که در افزایش یا کاهش جمعیت به‌طور مستقیم تأثیرگذار است به‌عنوان مهم‌ترین عامل حرکت زمانی جمعیت است.

نتایج سرشماری ۱۳۸۵ بیانگر این است که میزان باروری کل به حدود ۱,۹ فرزند کاهش یافته و شاخص این میزان در نقاط شهری و روستایی به ترتیب حدود ۱,۸ و ۲,۱ فرزند بوده است. نکته‌ی مهم‌تر این‌که، سطح باروری پایین‌تر از حد جانشینی (باروری کل پایین‌تر از ۲,۱ فرزند) در کشور فراگیر شده و حتی برخی از استان‌های کشور باروری خیلی پایینی را تجربه نموده‌اند. در سال ۱۳۸۵، چهار استان کشور میزان باروری بین ۱,۲ و ۱,۶ فرزند و ۱۳ استان نیز باروری بین ۱,۷ و ۲,۱ فرزند داشته‌اند. میزان باروری کل در ۱۲ استان بین ۲,۱ و ۲,۴ فرزند بوده و تنها استان هرمزگان با باروری ۲,۵ و سیستان و بلوچستان با باروری کل ۳,۷ بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده‌اند. در سال ۱۳۹۵ میزان باروری کل در ایران به ۲,۰۱ رسیده است. میزان باروری کل ایران برای نقاط شهری کمتر از سطح جانشینی و برابر ۱,۸۶ فرزند و در نقاط روستایی بالاتر از سطح جانشینی و برابر ۲,۴۸ فرزند به دست آمد. حداقل میزان باروری کل مربوط به استان گیلان با رقم ۱,۳۸ و حداکثر آن مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۳,۹۶ فرزند می‌باشد. استان‌های گیلان، مازندران و تهران به ترتیب با ارقام ۱,۳۸ و ۱,۵۱ و ۱,۵۶ حداقل میزان باروری و استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و هرمزگان به ترتیب با مقدار ۳,۹۶، ۲,۸۵، ۲,۸۴ و ۲,۶۴ فرزند، بالاترین میزان باروری را در کشور به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع، میزان باروری کل در ۱۷ استان بالاتر از میانگین باروری کل کشور بوده و ۱۴ استان نیز باروری پایین‌تر از میانگین کشوری داشته‌اند (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن). افزایش جزیی جمعیت بیشتر به دلیل گشتاور مثبت جمعیت بوده است و این افزایش مقطعی می‌باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش، تغییرات جمعیتی خانواده در ایران طی سه دهه‌ی اخیر تابع عوامل زیر است:

- تغییرات فردی و رواج فردگرایی در جامعه‌ی ایران یکی از تحولاتی که در جریان مدرنیزاسیون وارد ایران شد و خانواده از آن مصون نماند، رشد فردگرایی در جامعه است. افزایش ایده‌ها و نگرش‌های پست‌ماتریالیستی، استقلال اخلاقی و انتخاب آزاد. منظور از فردگرایی این است که افراد به جای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت دادند. با توجه به این‌که فردگرایی با ساختار خانواده‌ی هسته‌ای و جمع‌گرایی با ساختار خانواده‌ی گسترده هم‌سو است، یکی از عوامل افزایش نرخ خانواده‌های هسته‌ای و زوجی در سال‌های اخیر گسترش تفکر فردگرایی در جامعه‌ی ایرانی است. این یافته در تحقیقات (Mohammadi & Seifoori, 2016)، (Chaboki & etal, 2016) و (Khani & etal, 2013) و Hosseini-Chavoshi & etal, 2016 تأیید شد.

- افزایش سن ازدواج یکی دیگر از عوامل دیگری است که منجر به کاهش تمایل زنان به فرزندآوری در خانواده طی سه دهه‌ی اخیر شده است. امروزه به علت تقویت خانواده‌ی هسته‌ای،

دشواری‌های اقتصادی در جامعه جدید، افزایش تمایل زنان به اشتغال و تحصیلات تکمیلی متوسط سن ازدواج در ایران افزایش یافته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در سرشماری سال ۹۰ میانگین سن ازدواج در مردان ۲۶,۷ و در زنان ۲۳,۴ بوده است و این روند هم‌چنان در حال افزایش است. این یافته با نتایج گزارش شده در پژوهش (Saraei & etal, 2006) و سرائی سازگار است.

- افزایش جدایی و طلاق، کاهش طول دوره‌ی زناشویی به دلیل افزایش آمار طلاق در کلان‌شهرهای ایران و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی و قانونی از دیگر عوامل کاهش فرزندآوری در خانواده طی سال‌های اخیر است. آمار طلاق، خصوصاً در نقاط شهری در حال افزایش است. بر اساس آمار ثبت‌احوال کشور، در سال ۱۳۷۵ از هر ۱۰۰ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شد. این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۹۰ به ۱۶ طلاق رسیده است؛ درحالی‌که میانگین نرخ طلاق در دهه ۹۰ حدود ۱۶,۳۳ درصد بود و آمار طلاق تا پایان سال ۱۳۹۱ در کشور به ۱۶,۶۶ درصد نیز رسیده است. اگر به این آمار، طلاق‌های عاطفی (که ثبت‌نشده و آماری از آن‌ها در دست نیست) هم اضافه شود، یکی از عوامل مهم کاهش تعداد فرزندان به بی‌ثباتی خانواده مرتبط می‌شود.

- افزایش میزان شهرنشینی از دیگر عوامل مرتبط با کاهش نرخ باروری است؛ مطابق با سرشماری‌های انجام شده در سال ۱۳۶۵، میزان شهرنشینی در کشور ۵۴,۳ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۶۱,۳ درصد افزایش پیدا کرده است و تا سال ۱۳۹۰، در حدود ۷۱,۴ درصد جمعیت کشور در شهرها ساکن بودند. شهرنشینی موجب تغییر رفتارهای باروری زنان به نفع اندازه‌ی کوچک‌تر خانوار و تعداد فرزند کمتر شده است.

- آپارتمان‌نشینی و کوچک شدن خانه‌ها به‌عنوان یکی دیگر از پیامدهای گسترش شهرنشینی موجب کوچک شدن خانه‌ها و کاهش توانایی آن‌ها برای فرزندآوری شده است. خانه‌های آپارتمانی، به دلیل نوع فضاسازی و ساخت آن بسیاری از کارکردهای سنتی مانند محل تفریح، آسایش، محل ملاقات، میهمانی، محل جشن‌ها و آیین‌ها را از دست داده است. طراحی آپارتمان‌ها به‌گونه‌ای است که سبب فردی شدن خانه و گسستن روابط اعضای خانواده از یکدیگر شده است، بنابراین طبیعی است که این امر منجر به کاهش نرخ باروری در ایران شده است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ متوسط خانوار در ایران از ۵,۱ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۴,۰۳ نفر در سال ۱۳۸۵ و ۳,۵۵ نفر در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است.

- مشکلات اقتصادی در کنار سایر عوامل و تغییراتی که در حوزه‌ی خانواده رخ داده است موجب کاهش تمایل خانواده‌ها به باروری شده است.

- افزایش سرمایه‌گذاری مردان و زنان برای توسعه‌ی شغل و رقابتی که بین زن و مرد در زمینه‌ی شغلی به وجود می‌آید.

- تغییرات فرهنگی از جمله رواج فرزند سالاری به‌مثابه‌ی یک پدیده‌ی منحصر به فرد در ایران از دیگر عوامل کاهش باروری است. بر اساس تئوری جریان ثروت کالدول^۶، میزان فرزندآوری به‌دلیل کاهش توانایی والدین در برآوردن انتظارات بالای فرزندان، رسیدگی و توجه بیش از حد والدین به آن‌ها مانع فرزندآوری است. مبدل شدن فرزند به یک منبع پرهزینه و کم سود کنشگر عاقل مدرن را به سمت اجتناب از چنین انتخابی سوق داده است.

- افزایش تحصیلات و استقلال اقتصادی زنان، تحقیر کار خانگی و مادری در سال‌های اخیر، تمایل زنان به کار و کسب دارای درآمد مستقل را افزایش داده است. با توجه به این عامل کاهش نرخ باروری زنان از دهه‌ی ۸۰ به بعد در نتیجه‌ی، اشتغال زنان و حضور آنان در بازار کار است. این یافته در پژوهش (Baseri & Etal(2016 و Adibi & etal(2011 تأیید شد. در واقع، متأثر از ارزش-هایی که در نتیجه‌ی مدرنیزاسیون در دهه‌ی ۹۰ وارد ایران شد، نوعی تغییر نگرش نسبت به ازدواج، همسری، مادری و حتی کار خانگی به‌وجود آمد که مانع فرزندآوری زنان در این دوره شد.

- افزایش آمال و آرزوهای اقتصادی و مصرف‌گرایی که تقاضا برای افزایش اشتغال زنان را به‌اندازه مردان در پی دارد رواج واقعیتهای تحت عنوان «مصرف‌گرایی نوین» موجب تغییراتی در معیارهای زندگی افراد در سال‌های اخیر شد که به‌محض گسترش آن در عرصه‌ی خانواده از طریق بالا رفتن هزینه‌های غیرضروری زندگی، رشد فردگرایی، افزایش سن ازدواج، تأکید بیشتر بر کیفیت زندگی و به‌خصوص اهمیت بیشتر به اوقات فراغت، محافظت از خود و مدیریت بدن از طریق جراحی‌های زیبایی و ... منجر به کاهش تمایل زنان به بارداری شد. باوری که در کلان‌شهرها و حتی شهرهای سنتی در حال رشد است و نرخ بالای جراحی‌های زیبایی به‌ویژه بعد از دوران بارداری و شیردهی شاهدهی بر این ادعا است. این یافته در نتایج پژوهش (Mahmoudian & etal(2012 تأیید شده است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، کنترل منطقی تحولات جمعیت‌شناختی در سطح خانواده با توجه به عناصر فرهنگی شکل‌دهنده به باورهای زنان در سن باروری برنامه‌ریزی شوند. علاوه بر برنامه‌ریزی‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های قانونی و اجرایی لازم است چشم‌انداز جمعیتی مشخصی را برای هر دهه در نظر گرفت و به‌منظور تحقق آن بیشتر روی عوامل فرهنگی سرمایه‌گذاری شود.

⁶ -Caldwel

References:

Abbasi-Shavazi, M.J & McDonald, R (2008).Family Change in Iran:Religion, Revolution, and the State International Family Change:Ideational Perspectives / [edited by] Rukmalie Jayakody, Arland Thornton, and William Axinn.Taylor & Francis Group, 270 Madison Avenue, New York, NY 10016.

Adibi sadeh etal (2011). Study of Fertility and its Effective Factors Among the Kurdish Resident Andimeshk,Journal of Iranian Social Development Studies 2012 (winter), Vol. 4, No.1.P 98-81. (PERSIAN)

Aliahmadi, Omid.(2009).Contemporary Changes in Families of Tehran.Tehran. Published by:Nashre Shahr,P56. (PERSIAN).

Anning Hu & Jacob Hibel(2015), Increasing Heterogeneity in the Economic Returns to Higher Education in Urban China,The Social Science Journal 52 (2015) 322-330.

Balabiglu, Solmaz Chamani (2015). Study Determination of Fertility in Two Generations (Married Women in Tehran). PhD thesis. Islamic Azad University, Central Tehran Branch. Faculty of Social Sciences. (PERSIAN)

Baseri, Ali (2016). Investigating the Economic and Social Factors and an Effective group on the number of ideal children among employees of the Ministry of Cooperatives; Social Work and Social Work; Master's Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Social Sciences. (PERSIAN)

Bernard, Johns (2011).Family Studies. Translated by Hosein Ghaziyan. Tehran, Published by: Ney .(PERSIAN)

Bernardes, Jon (1993).Responsibilities in Studing Postmodern Families, Jornal of Family issues, 14- 35.

Brian Williams, Stacey Sawyer and Carl Wahlstrom .(2008).Marriages, Families, and Intimate Relationships:A Practical Introductions (2nd Edition).Pearson, Boston.

Caldwell, John C.(1976).Toward A Restatement of Demographic Transition Theory. Population and Development Review .Vol.2, No.3/4.

Chaboki, Ommol-Banin (2016), The Study of the Relationship between Cultural Values and the Propensity to Fertility, Master's Thesis, Al-Zahra University .(PERSIAN)

Chamani Balabiglou, Solmaz (1394), Sociological Determinants of Fertility in Two Generations (Married Women in Tehran), PhD Dissertation, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (PERSIAN)

Dorahaki, Ahmad (2015), Women's Ideal Fertility Determinants: A Study of the Ideal Fertility of 15- 49 Year-Old Women with Nasim Shahi's Wife in 2014, Razi Journal of Medical Sciences Vol.22, No. 141, March 2012. (PERSIAN)

Engelkhart, Ronald.(1994).Cultural Development in Advanced Industrial Society.Translated by:Maryam Vatar.Tehran, Published by:Enteshatat Kavir.(PERSIAN)

Faraji, Elaheh (2015), Investigating the Social Factors Affecting the Propensity of Fertility in Women 18-40 Years, Master's Thesis of Al-Zahra University. (PERSIAN)

Grensheim, Bak.(2002).Family in Today's World.Translated by:Afsharnaderi, Afsar & Bita Madani.Tehran, Published by:Ney.

Hoseini.Hatam.(2014).Socio-Economic Demography and Family Planning.BooAli Univrsity Publishing. Hamedan, P65. (PERSIAN)

Hosseini-Chavoshi, Meimanat & Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, Peter McDonald(2016), Fertility, Marriage, and Family Planning in Iran: Implications for Future Policy, *Population Horizons* 2016; 13(1): 31–40

Jesús J. Sánchez-Barricarte(2017),The Long-Term Determinants of Marital Fertility in the Developed World (19th and 20th centuries): The Role of Welfare Policies, *DEMOGRAPHIC RESEARCH VOLUME 36, ARTICLE 42, PAGES 1255-1298, PUBLISHED 21 APRIL 2017*

Kaboudi, Marzieh, Ramezankhani Ali et al. (2013). Decision making process for childbearing: a qualitative study, *Payshay journal, Mehr and Aban 1392, Volume 12, Issue 5, Pages 515-505. (PERSIAN)*

Kohan, Shahnaz and others (1392), Understanding Iranian Women from the Concept of Empowerment in Family Planning, Content Analysis, Proceedings of the National Conference on Applied Research in Health Promotion.(PERSIAN)

Labibi, Mohammad mehdi.(2013).New Approach to the Changes of Family Values in Iran.Tehran, Letter of social sciences,N.24, P32-34.(PERSIAN)

Lesthaeghe, R & K.Neels (2002)."From the First to the Second Demographic Transition - An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland", *European Journal of Population*, vol.18(4).

Lesthaeghe, Ron and van de Kaa, Dirk.J.(1986)."Twee Demografische Transitities (Two demographic transitions)".*Bevolking - Groei en Krimp, Mens en Maatschappij, Van Loghum Slaterus, Deventer:van Loghum-Slaterus,P21.*

Lesthaeghe, Ron.(2006).Second Demographic Transition, U.S, March, *Population and Development Review.P62-225-227.*

Livi Bacci, Massimo.(2012).Low Fertility in Historical Perspective. *Population and Development Review, Vol.38, Population and Public Policy: Essays in Honor of Paul Demeny Published by: Population.*

Mahmoudian, Hossein, Mohammadpour and Rezaee (2011), Low Fertility Fields in the Province of Khorasan, *Journal of the Iranian Association for Demographic Studies, Vol. 4, No. 8, Winter 2009, pp. 122-85. (PERSIAN)*

Malin Soederberg, Kyllike Christensson, Ingela Lundgren, Ingegerd Hildingsson(2015), Women's attitudes towards fertility and childbearing – A study based on a national sample of Swedish women validating the Attitudes to Fertility and Childbearing Scale (AFCS), *Sexual & Reproductive Healthcare 6 (2015) 54–58.*

Mohammadi, Naima and Seifoori, Batool (2016), Sociological Study of Factors Affecting Women's Fertility Preference, *Journal of Cultural-Educational Journal of Women and Families, No.36. P70-49. (PERSIAN)*

Motlagh, Mohammad Ismail, and others (2016), Factors Affecting Fertility Preferences among Iranian Women, *Nursing and Midwifery Faculty Journal, Vol. 14 No. 6. P495-485. (PERSIAN)*

–Newman David.(2008).Families:A Sociological Perspective, McGraw-Hill Higher Education, Boston Mass,P44.

-Oinonen, Eriikka (2008) .Families in Converging Europe:A Comparison of Forms, Structures and Ideals.

Papenoe, David.(2005).War over the Family.Transaction Publishers.

Saraei, Hasan.(2006).Continuity and Change Family in the Demographic Transition.Letter of Population Association of Iran, N.2.Tehran.(PERSIAN).

Saraei, Hasan.(2008).The Demographic Transition as Regards to Iran.Letter of Population Association of Iran, Period3.N.6.Tehran, P57-118-120.(PERSIAN).

-Seyfollahi, seyfollah & Razeghiyan.(2006).Social Determinants of Gender Identity of Women in Iran.Letter of Socisl Science.N.3.Tehran, P27 (PERSIAN)

Solsona, Pairo, Montserrat.(1997).Second Demographic Transition from a Gender perspective:The Case of Catalonia, Women and Families:Evolution of the Status of Women as Factor and Consequence of Changes in Family Dynamics, Maria Eugenia COSIO-ZAVALA (ed), Paris, CICRED,P176.

Tavakol, Mohammad & Maryam, Ghazinejad.(2006).Generation Gap in Macro-Sociological Approaches.Tehran, Letter of social sciences,N.27.(PERSIAN)

Van de Ka, Dirk J.(2002).The Idea of a second Demographic Transition in Industrialized Countries.Paper presented at the Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of population and Social Security, Tokyo, Japan.P78.

Yi Zeng, Therese Hesketh,(2016), The Effects of China's Universal Two-Child Policy, The Lancet Journal, Volume 388, No. 10054, p1930-1938, 15 October 2016.

www.amar.org.ir/

www.Demography.ir

www.sabteahval.ir/



